

# گرایش دانشجویان غیرتهرانی به مهاجرت به شهر تهران پس از فارغ التحصیلی و عوامل موثر بر آن

## چکیده

مقاله حاضر به منظور مطالعه و سنجش میزان گرایش دانشجویان غیرتهرانی به مهاجرت به شهر تهران پس از فارغ التحصیلی و عوامل موثر بر این گرایش تنظیم گردیده است. به این منظور به مطالعه موردی دانشجویان شاغل به تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد دانشگاه تهران پرداخته شده است.

گرایش به مهاجرت به بیان مختصر، متأثر از مجموعه‌ای از ارزشها، تعلقات و ویژگی‌های شخص و برداشت و ارزیابی او از شرایط و مسائل جامعه و شرایط شهرهای بزرگ است. در این مقاله سعی شده است که ضمن بررسی مباحث نظری و تجربی، به این شرایط و مسائل توجه بیشتری معطوف شود و با توجه به این موارد، متغیرهای مناسبی برای دستیابی به اهداف مذکور استخراج گردد و در بین نمونه برگزیده از میان جامعه آماری مورد نظر به آزمون گذاشته شود.

روش گردآوری اطلاعات پیمایشی است. پس از جمع آوری اطلاعات تجزیه و تحلیل آنها از طریق ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل واریانس و ضریب اتاه آزمون F، رگرسیون چند متغیری و تحلیل مسیر انجام گرفت و از بین سه فرضیه اصلی به شرح ذیل دو فرضیه اول تأیید گردیدند:

۱. بین میزان گرایش به مهاجرت به تهران و عامل جاذبه مقصد (تهران) رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
۲. بین میزان گرایش به مهاجرت به تهران و عامل دافعه مبدا رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
۳. بین میزان گرایش به مهاجرت به تهران و عوامل شخصی رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.

فرضیه سوم تأیید نشد. در نتیجه می توان این گونه قضاوت نمود که بین عوامل شخصی و متغیر وابسته مورد نظر رابطه معنی داری وجود ندارد. به طور کلی با رعایت احتیاط می توان این گونه نتیجه گرفت که عوامل شخصی به اندازه عوامل بیرونی از قبیل جاذبه ها و دافعه ها بر گرایش فرد نسبت به مهاجرت به تهران اثرگذار نیستند.

نکته اساسی دیگر این است که عوامل اقتصادی - رفاهی چه در بین جاذبه‌های مقصد و چه در بین دافعه های مبدا نسبت به سایر عوامل (فرهنگی - اجتماعی و سیاسی) تاثیر بیشتری بر میزان گرایش فرد به مهاجرت دارند.

**واژگان کلیدی:** مهاجرت داخلی، مهاجرت تحصیلکردگان، نیروی متخصص و ماهر

محمد رضا رضوی

عضو هیئت علمی دانشکده علوم اجتماعی  
دانشگاه تهران

\* لیلی عطاء الهی

کارشناس ارشد پژوهش در علوم  
اجتماعی

## پیشینه نظری و تجربی

در بررسی تحقیقات صورت گرفته در داخل و خارج از ایران، نتایجی حاصل گردید که در ادامه بیان می شود:

در یک دید کلی، می توان به این نتیجه رسید که شرایط اجتماعی و اقتصادی یک جامعه مهم ترین عامل اثرگذار بر میزان تأثیر تحصیلات و پیشرفت تحصیلی در مهاجرت و رابطه این دو فاکتور برهم است؛ زیرا گاهی دو جامعه از جهات مختلفی با یکدیگر مشابه اند، ولی با وجود این تشابهات به دلیل وجود مسائل اقتصادی و اجتماعی خاص، در هر جامعه وضعیتی ویژه حکمفرماست. همچنین رابطه میزان تحصیلات و میزان مهاجرت تا حدود زیادی به سطح توسعه یافتگی جوامع بستگی دارد و هرچه جامعه ای کمتر توسعه یافته باشد، امکان بروز مشکلات اجتماعی و اقتصادی و حتی فرهنگی ناشی از مهاجرت بی رویه تحصیلکردگان به اجتماعات بزرگتر و مرکزی بیشتر خواهد شد - شاید این امر هم معلول توسعه نابرابر و هم تشدید کننده آن باشد.

توسعه یافتگی نیز به چند جنبه قابل تقسیم است که یکی از مهم ترین و اثرگذارترین آنها، توسعه یافتگی صنعتی است. همین عامل در کشورهای جهان سوم (از جمله ایران) باعث ایجاد پیچیدگی های زیادی در رابطه میان تحصیلات و مهاجرت گردیده است، زیرا اگر توسعه صنعتی شهری به تنهایی به اجرا درآید باعث ایجاد احساس نابرابری و محرومیت نسبی می گردد. همین احساس افرادی را که خواهان پیشرفت و بهره برداری از امکانات توسعه یافته اند، مستعد مهاجرت به مراکز صنعتی می کند و در این میان افراد تحصیلکرده تر که در خود توان یافتن شغل مناسب و درآمد بالاتر را می بینند، انگیزه قوی تری برای مهاجرت خواهند یافت. در زمینه توسعه صنعتی روستا نیز طی مطالعات انجام گرفته، این امر در هر جامعه ای به صورت خاصی اثرگذار است، ولی در کشورهای جهان سوم و کمتر توسعه یافته، اغلب این برنامه موفقیت چندانی برای بازگرداندن مهاجران و جذب جمعیت به روستاها ندارد و بیشتر بازارکاری مناسبی برای زنان روستایی فراهم می کند و معضل بیکاری مردان همچنان برجای خود باقی می ماند. البته این امر در صورتی است که برنامه توسعه صنعتی روستا با موفقیت اجرا گردد وگرنه نتیجه آن چیزی نخواهد بود جز اتلاف مقدار هنگفتی سرمایه که بازگشتی در آن نیست.

اما مسئله مهم، سرمایه گذاری در زمینه آموزش افراد و بدون بازگشت بودن این سرمایه گذاری، به علت خروج این سرمایه ها به همراه تحصیلکردگان از مبدأ و سودآوری آن برای شهرهای بزرگتر (اغلب پایتخت یک کشور کمتر توسعه یافته و جهان سومی) است. این امر مهم ترین عامل تشدید کننده مهاجرت داخلی سایر افراد ساکن شهرهای کوچک و روستاهاست، زیرا در اصل با مهاجرت تحصیلکردگان از مبدأ اولیه شان نیروهای کارآمدی که می توانند اهرم اصلی پیشرفت این مناطق باشند از آنجا خارج می شوند و به همراه خود میزان هنگفتی از سرمایه ای را که صرف آموزش آنها شده است نیز خواهند برد. از این طریق، اختلاف سطح توسعه یافتگی بین شهرهای

بزرگ و شهرهای کوچک‌تر یا روستاها را افزایش می‌دهند و باعث می‌شوند دیگرانی که بعد از آنها آموزش خواهند دید و تحصیل خواهند کرد نیز با اراده و انگیزه‌ای قوی‌تر به این مهاجرت تن دهند و خود را از این نابرابری و محرومیت برهانند. غافل از اینکه این عمل آنها خود تشدید کننده این نابرابریها و بی‌عدالتی‌ها خواهد بود.

در بررسی پیشینه نظری جهت ارائه رویکرد مناسب، با توجه به تجربیات حاصل شده از سایر تحقیقاتی که در این زمینه انجام گرفته‌اند بیشتر به دیدگاههای اجتماعی توجه شده است، به ویژه که دیدگاه اجتماعی بسیاری از متغیرهای مهم مربوط به دیدگاه اقتصادی و سیاسی و ... را نیز دربردارد و می‌تواند کامل‌تر عمل کند.

از میان نظریات موجود در دیدگاه اجتماعی نیز از نظریات کارکردگرایی استفاده چندانی نخواهد شد، چون این نظریات بیشتر مهاجرت را برقرارکننده نوعی تعادل می‌دانند و سعی در تبیین و توجیه دلایل و پیامدهای آن دارند. حرف اصلی این نظریات این است که مهاجرت در جهت حل مشکلات جامعه و کاهش بیکاری عمل می‌کند، در حالی که در زمینه مهاجرت بی‌رویه قشر تحصیلکرده و نیروی متخصص به شهر تهران نمی‌توان چنین نظری را قابل قبول دانست. رویکرد مربوط به تفاوتها یا جاذبه و دافعه همخوانی بیشتری با شرایط و ویژگی‌های جامعه آماری مورد نظر ما دارد و به همین دلیل بیشتر سعی شده است که از این رویکرد استفاده گردد. در ضمن به دلیل مشکل بودن قضاوت در این زمینه که کدام یک از اندیشمندان تئوری کامل‌تری ارائه داده‌اند، سعی شده است به صورت ترکیبی عمل شود و از بین متغیرهای اساسی موجود در تئوریهای هر یک از این اندیشمندان، مواردی را که همخوانی بیشتری با شرایط و ویژگیهای جامعه ما دارد انتخاب کنیم.

اما در مورد نظریات تحلیلی یا تضادی که آنها نیز در زمره نظریات دیدگاه اجتماعی قرار دارند می‌توان این گونه قضاوت نمود که نظریات وابستگی هر چند در اصل تأکید روی ساخت اقتصاد جهانی دارد نه توسعه داخلی یک کشور و کار را به سطح وسیعی سوق می‌دهد، ولی با توجه به تأکیدی که روی توسعه ناموزون و عدم تعادل دارد و همچنین به دلیل پرداختن به رابطه مرکز - پیرامون در امر توسعه کشورها، دارای متغیرهایی بود که به عنوان عوامل قابل ترکیب با نظریات جذب و دفع مورد استفاده قرار گرفت.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## متغیرهای مورد استفاده

از میان مباحث یاد شده، می‌توان متغیرهای مرتبط را به صورت زیر مقوله‌بندی کرد:

### جدول مربوط به عوامل دافعه در مبدأ

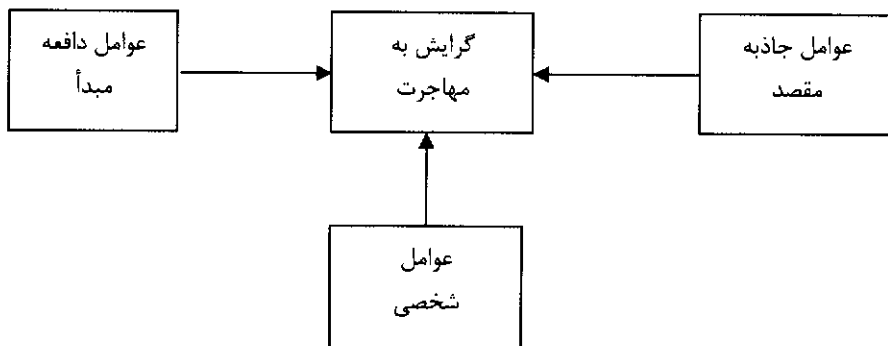
<p>۱- توزیع نابرابر سرمایه گذاری و درآمدها در مبدأ          ۲- عدم تحول در زیرساختهای اقتصادی منطقه مبدأ          ۳- کمبود وسایل و امکانات رفاهی (بیمارستان، مدرسه، دانشگاه و ...)</p>	<p>اقتصادی - رفاهی</p>
<p>۱- عدم تناسب نظام آموزشی با نیازهای توسعه ملی در مبدأ          ۲- کمبود امکانات فرهنگی در مبدأ          ۳- اختلاف سطح امکانات و تسهیلات (برای رشد و شکوفایی استعدادها)          ۴- فقدان امکانات کافی برای ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر (ارشد و دکترا)          ۵- عقب ماندگی فرهنگی - اجتماعی برخی استانها نسبت به تحولات سایر مناطق کشور          ۶- محیط کوچک مبدأ و بالابودن کنترل اجتماعی در آن محیط          ۷- نفوذ ارزشهای حاکم بر شهرهای بزرگ در مبدأ (الگوسازی و الگوپذیری غلط از شهرهای بزرگی چون تهران)</p>	<p>فرهنگی - اجتماعی</p>

### جدول مربوط به عوامل جاذبه در مقصد

<p>۱- دستمزد بالاتر در تهران          ۲- وجود فرصت شغلی یا شغل بهتر در تهران          ۳- بالا بودن سطح اعتبارات دولتی و عمرانی در تهران</p>	<p>اقتصادی - رفاهی</p>
<p>۱- آزادیهای فردی بیشتر          ۲- امکانات تحصیلی بیشتر          ۳- تفاوت کیفی زندگی با سایر مناطق و استانها</p>	<p>فرهنگی - اجتماعی</p>
<p>۱- جذابیت تهران بعنوان پایتخت          ۲- شناخته شدن تهران بعنوان بزرگترین قطب مهاجرپذیر کشور</p>	<p>سیاسی</p>

## مدل تحلیلی و فرضیات اصلی حاصل از مدل

با استفاده از ادبیات نظری و تجربی که مرور شد، می توان مدل اولیه تحلیلی را به صورت زیر ارائه کرد



تمایل به مهاجرت متغیر وابسته ماست و سه متغیر عوامل جاذبه مقصد، عوامل شخصی و عوامل دافعه مبدأ، متغیرهای مستقل و تأثیر گذار بر متغیر وابسته اند.

در ادامه به ذکر فرضیات اصلی و فرعی که از مدل مذکور استخراج شده، می پردازیم:

### فرضیات اصلی:

- ۱- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و عامل جاذبه مقصد (تهران) رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۲- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و عامل دافعه مبدأ رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۳- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و عوامل شخصی رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.

### فرضیات فرعی:

فرضیات فرعی تحقیق نیز شامل سنجش رابطه بین متغیر وابسته با شاخصهای مربوط به سه متغیر مستقل اصلی اند. ابتدا سه فرضیه مربوط به ابعاد جاذبه مقصد و سپس دو فرضیه دیگر که مربوط به ابعاد دافعه مبدأ است و پس از آن ۱۲ فرضیه ای که مربوط به شاخصهای عوامل شخصی است، بیان می شود. در انتها نیز اهم نتایج آماری در جدولی ارائه می شود.

- ۱- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و جاذبه های اقتصادی - رفاهی مقصد (تهران) رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۲- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و جاذبه های فرهنگی - اجتماعی مقصد (تهران) رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.

- ۳- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و جاذبه های سیاسی مقصد (تهران) رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۴- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و دافعه های اقتصادی - رفاهی مبدأ رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۵- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و دافعه های فرهنگی - اجتماعی مبدأ رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۶- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و سن آنها رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۷- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و جنس آنها رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۸- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و وضعیت تأهل آنها رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۹- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و وضعیت اشتغال آنها رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۱۰- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و شهر اشتغال آنها رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۱۱- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و میزان تجربه زندگی آنها در تهران رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۱۲- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و استان مبدأ (محل سکونت والدین) رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۱۳- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و میزان وابستگی آنها به خانواده رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۱۴- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و وجود اقوام نزدیک آنها در تهران رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۱۵- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و میزان وابستگی آنها به گروههای سیاسی رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۱۶- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و دانشکده ای که در آن تحصیل می کنند رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.
- ۱۷- بین میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران و اولین شهری که برای تحصیل در مقطع ارشد انتخاب کرده اند رابطه معنی دار و مستقیم وجود دارد.

## روش تحقیق

همان طور که پیش از این اشاره گردید، هدف از این تحقیق بررسی گرایش دانشجویان شهرستانی (غیر تهرانی) دانشگاه تهران (در مقطع کارشناسی ارشد) به مهاجرت به تهران است که به منظور سنجش دقیق این امر از دانشجویانی که به همراه خانواده خویش در تهران ساکن‌اند و مسئله مهاجرت در تهران در مورد آنها بی معنی است صرف نظر کرده ایم و بهتر دیدیم که برای دسترسی به افراد مورد نظر در سطح خوابگاه‌های دانشجویی دانشگاه تهران این بررسی را انجام دهیم.

واحد تحلیل بنا بر آنچه ذکر گردیده، فرد است و شیوه جمع آوری داده‌ها نیز بر اساس تحقیق، پیمایشی است. به همین منظور از پرسشنامه برای سنجش میزان گرایش به مهاجرت (متغیر وابسته) استفاده کرده و برخی از عوامل مؤثر بر آن را با بهره‌گیری از طیف لیکرت مورد سنجش قرار داده‌ایم. در بررسی برخی دیگر از عوامل مؤثر (متغیرهای مستقل) نیز از سؤالات (باز و یا بسته) مناسب برای سنجش استفاده گردید.

پرسشنامه مقدماتی، ابتدا با نمونه ۲۵ نفری تست گردید و ضریب روایی گویه‌های طیف لیکرت محاسبه شد. سپس اصلاحات لازم در مورد حذف گویه‌های نامناسب، ساخت و فرم پرسشنامه صورت گرفت.

جمعیت تحقیق این بررسی ۱۷۸۶ نفر است. با استفاده از فرمول نمونه‌گیری در مجموع ۲۴۱ نفر با به‌کارگیری ترکیبی از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای و چند مرحله‌ای، انتخاب شدند.

بعد از اتمام مصاحبه‌ها، اطلاعات پرسشنامه‌ها، وارد برگه‌های پیش نویس کامپیوتری گردید و بعد از بررسی صحت انتقال کدها به برگه‌های پیش نویس، داده‌ها به کامپیوتر سپرده شد. بعد از بررسی مقدماتی توسط کامپیوتر داده‌ها مجدداً کنترل گردید و سپس با استفاده از برنامه SPSS تحلیل‌های آماری متناسب با سطح سنجش داده‌ها از قبیل همبستگی پیرسون، ضریب اتا، آزمون معنی داری F، رگرسیون چند متغیری و تحلیل مسیر ارائه شد.

## روشهای تجزیه و تحلیل

برای تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیات، در بررسی حاضر از روشهای آماری زیر استفاده گردیده است:

- ۱- ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون روابط متغیرهای در سطح سنجش فاصله‌ای.
- ۲- تحلیل واریانس و ضریب اتا (ETA) برای تحلیل رابطه متغیرهای اسمی و ترتیبی با متغیرهای فاصله‌ای.
- ۳- آزمون F برای تعیین سطح معناداری همبستگی بین متغیرهای اسمی و ترتیبی با متغیرهای فاصله‌ای.
- ۴- رگرسیون چند متغیری برای تعیین سهم هر یک از مجموعه متغیرهای مستقل (در سطح سنجش فاصله‌ای) به طور همزمان، در تعیین تغییرات متغیر وابسته و همچنین ضرایب همبستگی جزئی و تشخیص تأثیر مستقل هر متغیر در متغیر وابسته.
- ۵- تحلیل مسیر به منظور به نمایش درآوردن الگوی روابط علی در میان متغیرهای اصلی تحقیق و برآورد ضرایب مسیر مستقیم و غیرمستقیم هر یک از متغیرها با متغیر دیگر.

## یافته های تحقیق

در اینجا نتایج حاصل از یافته های تحقیق در سه بخش مجزا ارائه می شود: ابتدا نتیجه گیری نهایی از یافته های توصیفی، سپس نتیجه گیری مربوط به یافته های استنباطی برای آزمون دو متغیری و پس از آن نتایج یافته های استنباطی برای آزمون چندمتغیری (رگرسیون چند متغیری و تحلیل مسیر) بیان می شود.

### ۱- نتایج حاصل از یافته های توصیفی

مهم ترین نتیجه حاصل از این یافته ها - که اصلی ترین هدف تحقیق را پاسخ می دهد - سنجش میزان گرایش پاسخگویان به مهاجرت به تهران است که میزان به دست آمده نشان می دهد که نزدیک به ۸۴٪ از کل پاسخگویان گرایش زیاد و بسیار زیادی به این مهاجرت دارند. نتیجه دیگری که از این یافته ها حاصل می گردد به عوامل سه گانه ای که بر میزان گرایش به مهاجرت تحصیلکردگان به تهران مؤثرند، مربوط می شود.

در بررسی عوامل دافعه مبدأ شاهدیم از بین دو بعدی که این عامل از آنها تشکیل شده است، دافعه اقتصادی - رفاهی دارای بیشترین تأثیر بر انگیزه مهاجرت تحصیلکردگان است و از بین انواع دافعه های اقتصادی - رفاهی نیز کمبود امکانات و وسایل رفاهی بیشتر از همه بر این انگیزه مؤثر است.

در بررسی عوامل جاذبه مقصد (تهران) نیز از میان سه بعد تشکیل دهنده این عامل، جاذبه اقتصادی - رفاهی مقصد دارای بیشترین تأثیر بر انگیزه مهاجرت تحصیلکردگان به تهران تشخیص داده شده است. از بین انواع جاذبه های اقتصادی - رفاهی مقصد، وجود فرصت های شغلی بیشتر (یا شغل بهتر) بیشتر از سایر موارد مؤثر بر این انگیزه تشخیص داده شده است و پس از آن امکان پیشرفت در زمینه شغلی و همچنین درآمد بالاتر در تهران نیز از تأثیر بالایی بر انگیزه مهاجرت به تهران در تحصیلکردگان برخوردارند.

در بررسی عوامل شخصی به علت عدم هم سطحی شاخص ها و همچنین وزن های متفاوت متعلق به شاخص ها، نمی توان مقایسه ای شبیه به دو عامل پیشین ارائه داد و تنها نتیجه ای که از این قسمت حاصل شد، این مسئله بود که با مقایسه خصوصیات نمونه مورد مطالعه و خصوصیات جامعه آماری متوجه شدیم که نمونه گیری با دقت قابل توجهی انجام گرفته است، زیرا نسبت های موجود در جامعه آماری (در زمینه جنس، دانشکده محل تحصیل، استان مبدأ و سایر خصوصیات فرد) در نمونه تقریباً رعایت گردیده است. در ضمن یکی از نتایج قابل توجهی که از بررسی عوامل شخصی به دست آمد، آن بود که در حدود ۹۸/۳٪ از کل پاسخگویان شهر تهران را به عنوان اولین شهر برای تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد انتخاب نموده اند و این امری تأمل برانگیز است.

با توجه به اینکه گرایش شدیدی در بین نمونه مورد مطالعه به مهاجرت به تهران دیده می شود باید به بررسی علل و عوامل مؤثر بر آن بیشتر پرداخته شود. در بررسی این علل نیز شاهدیم که بیشترین تأثیر را عوامل اقتصادی - رفاهی، هم به عنوان دافعه مبدأ و هم به عنوان جاذبه مقصد (تهران) داشته اند و این امر بسیار قابل تأمل است، زیرا جاذبه های مقصد را نمی توان کاهش داد، اما در زمینه کاهش دافعه های مبدأ (به خصوص دافعه های اقتصادی - رفاهی) می توان



اقداماتی را صورت داد. اینکه اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان تهران را برای ادامه تحصیل در مقاطع عالی ترجیح می‌دهند، نیز می‌تواند مبین این امر باشد که آنها به انگیزه گریز از دافعه‌های مبدأ و دسترسی به امکانات مقصد (که به نوعی جاذبه‌های آن محسوب می‌گردد) دست به چنین انتخابی می‌زنند و چه بسا همین انتخاب زمینه ساز ایجاد یا بالا رفتن انگیزه فرد برای ماندن دائمی در تهران خواهد شد.

## ۲- نتایج حاصل از یافته‌های استنباطی (آزمون دو متغیری)

در این قسمت به بحث درمورد نتایج حاصل از آزمون فرضیات تحقیق خواهیم پرداخت. در بررسی و آزمون سه فرضیه اصلی، مشاهده شد: عامل شخصی دارای رابطه معنی داری با متغیر وابسته گرایش به مهاجرت به تهران نبود، ولی عوامل دافعه مبدأ و جاذبه مقصد رابطه معنی داری با احتمال صحت در حد ۹۹/۹۹٪ را با متغیر وابسته نشان می‌دادند. با توجه به اینکه اکثر شاخصهایی که زیرمجموعه‌های عامل شخصی بودند، به صورت مجزا با متغیر وابسته دارای رابطه معنی داری نبودند و تنها از بین ۱۲ شاخص، چهار مورد رابطه معنی دار با متغیر وابسته مشاهده گردید، پس این مسئله می‌تواند تأثیر به‌سزایی بر عدم تأیید رابطه میان متغیر وابسته با عامل شخصی بگذارد؛ زیرا به هر حال عامل شخصی نهایی از ترکیب این ۱۲ شاخص حاصل گردیده است.

### جدول نتایج آزمون فرضیات اصلی

گرایش به مهاجرت به تهران			متغیر وابسته
			متغیر مستقل
تعداد مشاهدات	سطح معنی داری	ضریب پیرسون	عامل دافعه مبدأ
۲۳۵	۰/۰۰۰	۰/۴۳۲**	عامل جاذبه مقصد
۲۳۴	۰/۰۰۰	۰/۵۰۰**	عوامل شخصی
۲۳۹	۰/۵۳۳	۰/۰۴۱	

در بررسی و آزمون فرضیات فرعی نیز این نتیجه حاصل شد که از بین تمام متغیرهای مستقل، بیشترین میزان تأثیرگذاری بر متغیر وابسته متعلق به جاذبه اقتصادی - رفاهی مقصد (تهران)، دافعه اقتصادی - رفاهی مبدأ، وضعیت اشتغال فرد و میزان وابستگی سیاسی فرد است. پس بیشترین مسأله تأثیرگذار بر گرایش فرد به مهاجرت به شهر تهران عامل اقتصادی - رفاهی است، زیرا سه متغیر از چهار متغیری که بیشترین رابطه‌ها را با متغیر وابسته دارند هر یک به نوعی با عامل اقتصادی - رفاهی در ارتباط‌اند. در ضمن این مسئله که میزان وابستگی سیاسی فرد عاملی مؤثر بر میزان گرایش فرد به مهاجرت به تهران است، نیز قابل توجه است، زیرا معنی این رابطه این است که هرچه فرد از نظر سیاسی فعال‌تر باشد بیشتر به شهری مثل تهران وابسته می‌گردد. پس احتمالاً

در تهران زمینه فعالیت سیاسی بیشتر یا بهتر مهیا می شود و همین امر زمینه ساز گرایش فرد به مهاجرت به تهران می گردد.

جدول نتایج آزمون فرضیات فرعی (با توجه به ضریب همبستگی پیرسون)

گرایش به مهاجرت به تهران			متغیر وابسته	
			متغیر مستقل	
تعداد مشاهدات	سطح معنی داری	ضریب پیرسون	ابعاد	متغیر
۲۳۷	۰/۰۰۰	۰/۴۱۵**	دافعه اقتصادی - رفاهی	عامل دافعه مبدأ
۲۳۵	۰/۰۰۰	۰/۴۰۳**	دافعه فرهنگی - اجتماعی	
۲۳۸	۰/۰۰۰	۰/۷۰۲**	جاذبه اقتصادی - رفاهی	عامل جاذبه مقصد
۲۳۵	۰/۰۰۰	۰/۵۸۳**	جاذبه فرهنگی - اجتماعی	
۲۳۶	۰/۰۰۱	۰/۲۱۵**	جاذبه سیاسی	
۲۳۹	۰/۹۴۷	۰/۰۰۴	سن	عوامل شخصی
۲۴۱	۰/۳۹۶	۰/۰۵۵	میزان تجربه زندگی در تهران	

### ۳- نتایج حاصل از تحلیل چندمتغیری

با استفاده از رگرسیون چند متغیری به این نتیجه رسیدیم که اگر تنها عامل جاذبه مقصد و عامل دافعه مبدأ را در معادله رگرسیونی وارد کنیم، می توانیم نزدیک به ۷۰٪ از کل واریانس متغیر وابسته (گرایش به مهاجرت به تهران) را تبیین نماییم و ضریب همبستگی نزدیک به ۰/۸۳۶ خواهد شد. در ضمن عامل شخصی به علت اینکه همبستگی خیلی جزئی و اندکی با متغیر وابسته دارد، نباید وارد معادله رگرسیونی گردد تا بتوانیم میزان بالاتری از واریانس متغیر وابسته را تبیین کنیم.

جدول رگرسیون چندمتغیره برای تبیین گرایش به مهاجرت به تهران  
۱. متغیرهایی که وارد معادله شده اند

متغیرها	B	Beta	t	Sig.t
Constant	۲/۷۳۸	-	۹/۸۱۵	۰/۰۰۰
عامل جاذبه مقصد	۰/۰۸۲	۰/۴۹۱	۹/۰۳۰	۰/۰۰۰
عامل جاذبه مبدأ	۰/۰۵۹	۰/۴۱۱	۷/۵۶۴	۰/۰۰۰

۱۱. متغیری که از معادله خارج شده است

متغیر	Beta in	t	Sig.t	Partial Correlation	Tolerance
عوامل شخصی	۰/۰۴۹	۰/۹۳۳	۰/۳۵۲	۰/۰۶۵	۰/۵۱۵

شاخصه ها و آماره‌های تحلیل رگرسیون چند متغیره

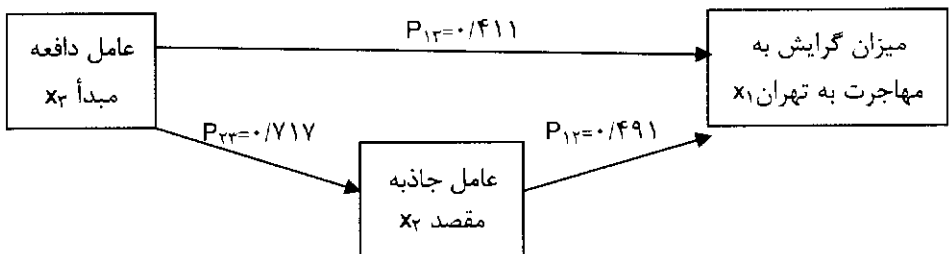
آماره‌ها	R	R <sup>۲</sup>	R <sup>۲</sup> تعدیل یافته	خطای همبستگی	F	Sig.F
نتایج	۰/۸۳۶	۰/۷۰۰	۰/۶۹۷	۰/۶۰۸۲۵	۲۴/۴	۰/۰۰۰

معادله رگرسیونی استاندارد که قدرت تأثیرگذاری هر یک از عوامل جاذبه مقصد و دافعه مبدأ بر گرایش به مهاجرت به تهران را به ما نشان می دهد با توجه به ضرایب بتا به این صورت است که :

(عامل دافعه مبدأ)  $0/411 +$  (عامل جاذبه مقصد)  $0/491 =$  گرایش به مهاجرت به تهران

پس می توان اینگونه قضاوت کرد که عامل جاذبه مقصد(تهران) تأثیرگذارتر از دافعه مبدأ بر میزان گرایش فرد به مهاجرت به تهران است. با توجه به این نتیجه باید سعی گردد جاذبه هایی مشابه با جاذبه های مقصد یا حتی فراتر از آن در مبدأ (سایر استانها) ایجاد گردد، زیرا در هر حال جاذبه‌های مقصد قابل کاهش نیست و تنها راه ممکن کم‌رنگ کردن این جذابیتها از طریق بر طرف کردن دافعه‌های مبدأ و توزیع برابر امکانات گوناگون در سراسر کشور است تا باعث کاهش انگیزه در فرد تحصیلکرده برای ترک مبدأ اصلی خویش و مهاجرت به تهران گردد.

نمودار تحلیل مسیر گرایش به مهاجرت به تهران و متغیرهای مستقل آن



نتایج ناشی از تحلیل مسیر نشان می دهد که عامل دافعه مبدأ علاوه بر تأثیر مستقیمی که بر متغیر وابسته دارد، از طریق جاذبه مقصد نیز تأثیر غیر مستقیمی بر این متغیر وابسته می گذارد. شاید برای توضیح این نتیجه بتوان به این مسئله اشاره نمود که در هر حال جاذبه های مقصد به نوعی نشئت گرفته از دافعه های مبدأند و در اصل فرد وقتی در مبدأ از یک جنبه احساس خلاء و کمبود می کند، کم کم متوجه جاذبه هایی در تهران می گردد که به همان جنبه و برطرف نمودن نیاز مورد نظر مربوط می شود. همین امر منجر به ایجاد مسئله ای به نام جاذبه مقصد (تهران) می شود. در کل از طریق تحلیل مسیر دریافتیم که دافعه مبدأ هم تأثیر مستقیم و هم تأثیر غیرمستقیم بر گرایش به مهاجرت فرد به تهران دارد و به همین دلیل دارای تأثیر بیشتری (با استفاده از تحلیل مسیر) تشخیص داده شده است، درحالی که در رگرسیون چند متغیری که فقط تأثیرات مستقیم بررسی شد، عامل جاذبه مقصد دارای تأثیر بالاتری تشخیص داده شده بود.

### نتیجه گیری

پس از استخراج اطلاعات و انجام تجزیه و تحلیلهای آماری، به این نتیجه رسیدیم که تقریباً ۸۴٪ از پاسخگویان گرایش شدید و بسیار شدید به مهاجرت به شهر تهران پس از فراغت از تحصیل دارند. در ضمن از سه فرضیه اصلی مورد آزمون، دو فرضیه ۱ و ۲ تأیید گردید و تنها فرضیه سوم تأیید نگردید. پس به این نتیجه رسیدیم که:

- بین میزان گرایش به مهاجرت به تهران و عامل جاذبه مقصد (تهران) رابطه معنی داری وجود دارد و احتمال صحت این رابطه در حد ۹۹/۹۹٪ می باشد. در ضمن این رابطه یک رابطه مستقیم است؛ یعنی، با افزایش میزان جاذبه مقصد (تهران)، میزان گرایش فرد به مهاجرت به تهران نیز افزایش می یابد.

- بین میزان گرایش به مهاجرت به تهران و عامل دافعه مبدأ رابطه معنی داری وجود دارد که احتمال صحت این رابطه نیز در حد ۹۹/۹۹٪ می باشد و عامل دافعه مبدأ با متغیر وابسته مورد نظر رابطه مستقیم دارد؛ یعنی، با افزایش میزان دافعه مبدأ، به میزان گرایش فرد به مهاجرت به تهران نیز افزوده می گردد.

- بین میزان گرایش به مهاجرت به تهران و عوامل شخصی رابطه معنی داری وجود ندارد. از بین دو عاملی که با متغیر وابسته دارای رابطه معنی دار بودند، عامل جاذبه مقصد دارای رابطه قوی تری است.

- در صورتی که به تأثیرات غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته نیز توجه شود، عامل دافعه مبدأ به این علت که تأثیر غیرمستقیمی نیز بر متغیر وابسته (از طریق عامل جاذبه مقصد) می باشد، دارای تأثیر بیشتری بر میزان گرایش به مهاجرت به تهران تشخیص داده شد.

نتایج حاصل از آزمون فرضیات فرعی نیز به طور خلاصه به شرح ذیل می باشند:

- از بین ابعاد مختلف مربوط به جاذبه مقصد، بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته متعلق به جاذبه های اقتصادی - رفاهی مقصد بود.

- از بین ابعاد مختلف مربوط به دافعه مبدأ ، بیشترین تأثیر بر متغیر وابسته متعلق به دافعه‌های اقتصادی - رفاهی مبدأ بود.
- در کل عوامل اقتصادی و رفاهی دارای بیشترین رابطه با متغیر وابسته تشخیص داده شدند.

### مقایسه نتایج حاصل با آرا و نظریات مورد استفاده

همان گونه که پیش از این توضیح داده شد ، بیشتر سعی ما بر این بوده است تا از نظریات دفع و جذب (نظریات تفاوتها) استفاده کنیم و اهمیت بیشتر نیز به کار "اورت لی" و همچنین به بخش هایی از نظریات "راونشتاین" در میان تمام نظریات تفاوت ها ، داده شده است . در ضمن در جایی که لازم بود از تئوری توسعه نامتوازن که آن نیز به نوعی مبین نابرابری امکانات و تأثیر آن بر گرایش به مهاجرت است ، استفاده کرده ایم ؛ به عنوان مثال، در مراحل مفهوم سازی و ساختن شاخص‌های مربوط به عوامل دافعه و جاذبه، تا حدودی از مفاهیم و متغیرهای موجود در تئوری توسعه نامتوازن بهره گیری شد.

گفتنی است که "اورت لی" به چهار عامل توجه داشت : عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده و بازدارنده) ، عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده و بازدارنده) ، موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد (ممانعت‌های فیزیکی و قانونی) و عوامل شخصی که در اینجا متناسب با موضوع پژوهش ، تنها از عوامل بازدارنده موجود در مبدأ (تحت عنوان عوامل دافعه مبدأ)، عوامل برانگیزنده مقصد (تحت عنوان عوامل جاذبه مقصد) و همچنین عوامل شخصی یا اندکی تغییر ، استفاده کردیم . ما آنها را وارد مدل تحلیلی و مفهومی خویش نمودیم و برای تکمیل شدن مدل از برخی نظرات راونشتاین نیز به منظور تکمیل نمودن عوامل شخصی (مثل جنس ، استان مبدأ و ...) بهره جستیم . در ضمن با توجه به تأکید فراوانی که راونشتاین بر عوامل اقتصادی داشت، این عامل نیز با اطمینان بیشتری وارد مدل شد . همچنین با توجه به مصاحبه های عمقی صورت گرفته با چندین نفر از نمایندگان انتخاب شده از جامعه مورد مطالعه ، توانستیم شاخص سازی بهتر و دقیق تری صورت دهیم . اکنون باید به این مسئله بپردازیم که تا چه حد نظریات مورد استفاده ، با کمک نتایج به دست آمده تأیید شدند و تا چه حد تأیید نشدند .

با توجه به نتایجی که حاصل گردید ، عوامل جاذبه مقصد و عوامل دافعه مبدأ که منتج از نظریات اورت لی بود دارای تأثیر بر میزان گرایش به مهاجرت به تهران تشخیص داده شدند. عامل جاذبه تأثیر مستقیم بالایی بر متغیر وابسته دارد ، در حالی که عامل دافعه به این علت که تأثیر غیرمستقیمی نیز بر متغیر وابسته (گرایش به مهاجرت) دارد ، در مجموع تأثیر بیشتری نسبت به عامل جاذبه بر متغیر وابسته می گذارد . از جمله شاخص‌های عامل دافعه که رابطه معنی داری با متغیر گرایش به مهاجرت به تهران داشتند، می‌توان به : توزیع نابرابر اعتبارات عمرانی - دولتی در مناطق مختلف کشور ، کمبود امکانات و وسایل رفاهی در مبدأ و آزادی فردی کمتر مبدأ نسبت به تهران اشاره کرد که تمام این موارد هر یک به نوعی می توانند اثبات کننده توسعه نامتوازن در کشور باشند.

همچنین می توان این گونه قضاوت نمود که بعد اقتصادی - رفاهی تقریباً بالاترین میزان تأثیر را هم در بین تمام ابعاد عامل جاذبه مقصد و هم در بین ابعاد دافعه مبدأ ، به خود اختصاص داده است و این مؤید نظر راونشتاین در مورد اهمیت عوامل اقتصادی در تمایل به مهاجرت است .

در مورد عوامل شخصی نیز باید گفت که برخی از این عوامل به علت کنترل شدن، به خوبی بیانگر میزان رابطه با متغیر وابسته نبودند؛ از جمله سن، جنس و مانند آن، ولی برخی دیگر از عوامل از جمله: وضعیت اشتغال، وضعیت تأهل و میزان وابستگی به گروههای سیاسی و انتخاب تهران به عنوان اولین شهر برای تحصیل در مقطع ارشد رابطه معنی داری با متغیر وابسته داشتند. در کل، عوامل شخصی تأثیرچندانی بر میزان گرایش فرد به مهاجرت نداشتند. در نتیجه می توان این گونه قضاوت نمود که آنچه تحت عنوان عوامل شخصی از نظر "لی" تأثیر گذار بر میزان مهاجرت تشخیص داده شده بود، با اندکی تغییرات مورد آزمون قرار گرفت و در مورد نمونه مورد مطالعه آن گونه که مورد انتظار بود، مؤثر واقع نگردید.

در ضمن نظر راونشتاین در مورد تأثیر مسافت بر روی انگیزه مهاجرت نیز با گویه ای تحت عنوان محل سکونت والدین سؤال شده بود و نتیجه ای که حاصل گردید تا حدودی نظر او را تأیید نمود؛ زیرا اکثر پاسخگویان که گرایش شدید به مهاجرت به شهر تهران پس از فراغت از تحصیل، از خود نشان داده بودند، متعلق به استانهای بسیار نزدیک به شهر تهران از جمله: قم، قزوین، گیلان، همدان، زنجان و خود استان تهران - که هزینه اندکی برای این مهاجرت باید می پرداختند - یا متعلق به استانهایی مثل کهگیلویه و بویراحمد و سیستان و بلوچستان بودند که همان گونه که راونشتاین اشاره نموده است، حالا که مجبور به پرداخت هزینه ای برای مهاجرت هستند ترجیح داده اند به بزرگترین و صنعتی ترین شهر موجود در کشور مهاجرت کنند و به همین دلیل با وجود بعد مسافت تهران را برگزیده اند.\*



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی